

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ سپتمبر ۲۰۱۹

## "بز در غم جان کندن، قصاب در غم چربو"

**جمعه- ۲۲ سنبله ۱۳۹۸ - کابل:** یکی از خبرهای نسبتاً مهمی که امروز رسانه ها پخش نمودند، خبر "پردین آتش از کلوخ" بود. اگر متوجه نشده باشید باید در تفصیل خبر بنویسیم که طبق اسنادی که امروز رسانه های دیداری به نمایش گذاشتند، "عبدالله عبدالمود" سرانجام طاقتش طاق شده از موضع "رنیس اجرائیه" و شریک قدرت، در آخرین روز های عمر نامشروع "حکومت خیانت ملی" ضمن ارسال یک فرمان بر تمام مقرری های اخیر "غنی احمدزی" در وزارت خارجه خط بطلان کشیده، رسماً و علناً ثابت ساخت که می توان "دریک اقلیم دو پادشاه" حاکمیت کند. یادداشت امروز را به بحث در همین زمینه اختصاص داده ام:

۱- از آنجائی جنگ در وزارت خارجه تازه آغاز نیافته و سابقه آن به بیش از سه سال قبل می رسد که "غنی احمدزی" با تحریک عده ای از وکلای طرفدارش در "طویلہ جمهوری" وی را رسماً سبکدوش اعلام داشتند مگر "عبدالمود" با خیره سری "صلاح الدین ربانی" را به حیث سرپرست آن وزارت نگهداشت و از جانب دیگر "غنی احمدزی" با جذب بخش "حزب اسلامی" مربوط "ارغندیوال" جواب دست درازی های "عبدالمود" را در تیم قبلی خودش داد، مطمئناً این جنگ خاتمه نمی یابد تنها چیزی که تا حال روشن نیست آمادگی "غنی احمدزی" در حدت بخشیدن به این جنگ است. زیرا هنوز معلوم نیست که به همین جنگ قلمی و ارسال مکتوب اکتفاء می نماید و یا با اعزام گارد خودش، "ربانی" را دست گرفته از درب وزارت خارجه بیرون می اندازد، کاری که در مورد دو تن از وزرای دیگر مربوط باند "عبدالمود" "وحیدی" وزیر مخابرات و "عثمانی" وزیر آب و برق انجام داد و "عبدالمود" فقط نظاره گر باقی ماند.

۲- این جنگ قلمی که مشخص است جهت تأمین منافع فردی دوطرف صورت می گیرد و هیچ ربطی به منافع مردم افغانستان ندارد، در حالی صورت می گیرد که رابطه بین کابل و قندوز، کابل و مزار بنا بر محاصره پلخمری از طریق بزرگراه سالنگ قطع بوده، در همین هفته ای که گذشت چندین ولسوالی در ولایات شمال افغانستان به دست طالب سقوط نموده، خطر سقوط ولسوالی های بیشتری چون عفریت مرگ بر سر آنها پرواز می نماید.

به علاوه رابطه صفحات مرکزی افغانستان یعنی ولایات غور، دایکندی، بخش هائی از ولایات غزنی و وردک با کابل یا به صورت مطلق قطع شده و یا چنان نا امن اند که حتا با کاروان نیروهای مسلح نیز مسافرت در آنها خالی از خطر نیست. این جدال در حالی صورت می گیرد که در همین شهر کابل قیمتی به حدی رسیده که قریب است قصاب ها از بینندگان قیمت دیدن گوشت را تقاضا نمایند تا چه رسد به این که مردم فقیر توان خرید آن را داشته باشند، این وضع در

حالی ادامه دارد که بنا بر احصائیه های رسمی ادارات دولت دست نشانده و بادارانش، بیش از ۶۵ در صد مردم افغانستان پائینتر از خط فقر مطلق امرار حیات نموده ۳۰ در صد دیگر در شرایط خط فقر نسبی بین مرگ و زندگی دست و پای می زنند.

۳- تمام این اوضاع نه برای "غنی احمدزی" قابل توجه است و نه هم برای "عبدالمود". آنچه برای آنها مهم است حفظ چوکی و مقام در این ویا آن وزارت و تسلط بر جوی های روان طلا و نقره.  
هموطنان گرامی!

ضرب المثلی که به حیث عنوان برگزیده ام در شرایط فعلی چنان صدق می نماید توگوئی مردم این وضع را دیده و این ضرب المثل را ساخته اند. نمی دانم من و تو چه وقت ما می شویم و چون مشت آهنینی برفرق هر دو خاین و وطنفروش فرود آمده، آزادی و کرامت انسانی ما را باز می یابیم.

**سرکها ما را می طلبد!**